

بیانات آیت الله سید محمدرضا مدرّسی یزدی ^{دام ظلّه}

دربارهٔ ابتلاء اخیر، پیامدها و وظایف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين و صلّى الله على محمد و آله الطّاهرين

﴿فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا﴾^۱

پس چرا هنگامی که بلای ما به آنان رسید، فروتنی و زاری نمی‌کنند؟!

پدیده‌ای که امروزه جهان با آن روبروست، انصافاً پدیدهٔ عجیبی است که شایستهٔ تأمل و بررسی ژرف است و باید ملاحظه کرد دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام دربارهٔ آن چیست؟ روشن است که این پدیده باید از نظر زیست‌شناسی، بیماری‌زایی، درمان‌پذیری و برخی جهات دیگر بررسی و ریشه‌یابی شود و تحقیق کنند که این ویروس از کجا و چگونه پدید آمده؟ و چه کسانی به آن مبتلا شده و چرا مبتلا شده‌اند؟ و چگونه منتشر شده و در همهٔ دنیا وسعت پیدا کرده است؟ و بررسی‌هایی از این قبیل یا نزدیک به آن. این‌ها گرچه همه مفید و لازم است اما یک تحلیل ظاهری است و نگاهی به ما وراء ندارد و نمی‌تواند چرایی آن را در یک جهان‌بینی الهی تبیین کند. در حالی که می‌دانیم آنچه در عالم اتفاق می‌افتد، بدون حکمت نیست و تمام امور به مشیّت حضرت حق و قضاء و قدر الهی باز می‌گردد که از هر گونه عبث، لهو و ظلم منزّه است.

فسادی که از این ویروس ناشی شده، یک فساد عالم‌گیر است و می‌توان گفت این ویروس، خبیث و مفسد است و خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۲

به سبب اعمال مردم، فساد در خشکی و دریا آشکار شد تا به آنان جزای بعضی از کارهایشان را بچشاند، باشد که بازگردند.

۱. سورهٔ مبارکهٔ انعام، آیهٔ ۴۳.

۲. سورهٔ مبارکهٔ الروم، آیهٔ ۴۱.

این آیه شریفه بیان می‌کند فساد در خشکی و دریا پدیدار شد و منشأ آن نیست مگر ﴿مَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾؛ یعنی کارهایی که مردم انجام داده‌اند و آنچه که خودشان کسب کرده‌اند. غایت و هدف از پیدایش این فساد هم آن است که ﴿لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾؛ یعنی برای اینکه خداوند متعال بچشانند به مردم بعض آنچه را که عمل کرده‌اند، شاید که بازگردند.

مقصود از این فساد، هر نوع فسادی است؛ اعم از قحطی، گرسنگی، مرگ، بیماری و امثال آنها. و مقصود از ﴿بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾ همه اعمال بد مخصوصاً گناهان اجتماعی است. برای اینکه روشن شود که ﴿مَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾ شامل گناهان اجتماعی هم می‌شود و بلکه لعل فرد اولای آن باشد، علاوه بر تناسب صدر و ذیل آیه، توجه به روایت صحیحۀ جناب محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام راه گشاست. حضرت در رابطه با این آیه شریفه فرمودند:

«ذَكَوَاللَّهِ حِينَ قَالَتِ الْأَنْصَارُ مِنَّا أَمِيرٌ وَمِنْكُمْ أَمِيرٌ!»

می‌دانید چه زمانی اعمال مردم موجب ظهور فساد در خشکی و دریا شد؟! آن زمانی که انصار به جای پیروی از وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله، شق عصای مسلمین کردند و گفتند: ما یک امیر، سلطان و فرمانروا داشته باشیم و شما هم یک امیر، سلطان و فرمانروا داشته باشید.

این مسأله مهمی است و امام باقر علیه السلام تطبیق عجیبی انجام دادند.

آیه شریفه در مقیاس جهانی و بدون استثناء می‌فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ﴾ و عامل آن هم فرد یا قوم و گروه خاصی نیست بلکه حاصل اعمال مردم است ﴿بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾ و غایت آن هم این است که ﴿لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾؛ یعنی برای اینکه خداوند متعال بچشانند به مردم بعض آنچه را که انجام داده‌اند شاید که بازگردند. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید مردم را به بعض اعمال‌شان مؤاخذه می‌کند؛ نه به همه اعمال‌شان و الا اصلاً معلوم نبود که دیگر شایسته باشد حیاتی بر روی کره زمین باقی بماند ﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظُهُرِهَا مِنْ دَابَّةٍ﴾؛ و اگر خدا بخواهد مردم را به سبب کارهایی که کرده‌اند

۱. الکافی، ج ۸، ص ۵۸:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ قَالَ: ذَلِكَ وَاللَّهِ حِينَ قَالَتِ الْأَنْصَارُ مِنَّا أَمِيرٌ وَمِنْكُمْ أَمِيرٌ.

بازخواست کند، بر روی زمین هیچ جنبنده‌ای باقی نگذارد^۱ و مؤاخذه به بعض اعمال هم به خاطر آن است که مردم به سوی خداوند متعال بازگردند؛ زیرا خداوند متعال علاوه بر آنکه منزّه از تعدی و ظلم است، مردم را به همه عذاب‌هایی که مستحق هستند نیز مواخذه نمی‌کند؛ «سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِالْأَوَانِ الْعَدَابِ؛ پاک و منزّه است خداوندی که بر اهل مملکت خود ستم و تجاوز نمی‌کند، و منزّه است خدایی که اهل زمین را به انواع گوناگون عذاب، نمی‌گیرد».

بنابراین یکی از اهدافی که خداوند متعال در این دنیا به مردم بعض آنچه را که عمل کرده‌اند می‌چشاند، آن است که «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ یعنی برای اینکه شاید مردم به حق و فطرت انسانی خود بازگردند. فطرت انسانی اقتضائاتی دارد؛ عدل، انصاف، رحم و مروّت چیزهایی است که فطرت انسان موافق آنها بوده و با اضداد آنها مخالف است. یک سلسله قبائح، فطری هستند و لازم نیست حتماً کسی مسلمان باشد تا از آنها اجتناب کند، بلکه اگر وجدان انسانی بیدار باشد از آن احتراز می‌کند؛ مانند بی‌رحمی، ظلم، دزدی، غارت، دروغ، تهمت، فحشا و.. که فطرت همه انسان‌ها با آنها مخالف بوده و آنها را قبیح و زشت می‌شمارد. وقتی که انسان‌ها گرفتار این قبائح شوند، خداوند متعال بعد از فراگیر شدن این اعمال، به مردم نتیجه بعض اعمالشان را می‌چشاند. و نظیر این آیه است آیه دیگری که می‌فرماید:

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ * وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ»^۲

هر مصیبتی که به شما برسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید. و خداوند بسیاری از گناهان را عفو می‌کند * و شما هرگز نمی‌توانید در زمین از قدرت خداوند فرار کنید؛ و غیر از خدا هیچ ولی و یاور برای شما نیست.

روایات هم در این زمینه الی ما شاء الله هست.

ممکن است در اینجا سؤالی مطرح شود که اگر هر مصیبتی که به انسان می‌رسد حاصل عمل خود او باشد، پس مصیبت‌هایی که به اولیای الهی اعم از معصوم و غیر معصوم رسیده که برخی از آن‌ها در سختی بی‌نظیر

۱. سوره مبارکه فاطر، آیه ۴۵.

۲. سوره مبارکه الشوری، آیه ۳۰-۳۱.

است و در طول تاریخ از بالاترین مصیبت‌هاست، آنها به چه دلیل است؟ با آن که آنها یا معصوم هستند و یا عادل و شبه معصوم!

جواب این پرسش از روایتی که امام صادق علیه السلام درباره قضیه عاشورا نقل کرده‌اند به روشنی به دست می‌آید. در این روایت آمده است که وقتی یزید لعنه الله، امام سجاد علیه السلام و همراهانشان را به صورت اسیر در کاخ خود حاضر کرد، با طعن و زخم زبان بر امام سجاد علیه السلام و همراهان، این آیه شریفه را خواند که «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» و حضرت در پاسخ به او فرمودند:

«كَلَّا مَا هَذِهِ فِينَا إِنَّمَا نَزَلَ فِينَا مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ فَتَحْنُ الَّذِينَ لَا نَأْسَى عَلَى مَا فَاتَنَا [من امر الدنيا] وَلَا نَفْرَحُ بِمَا أُوتِينَا»^۱

هرگز این آیه در شأن ما نازل نشده است. همانا در شأن ما چنین نازل شده: «هیچ مصیبتی در زمین یا در جسم و جان شما روی نمی‌دهد مگر اینکه قبل از آفرینش شما در کتاب (لوح محفوظ) بوده است، همانا این امر بر خداوند آسان است، این برای آن است که شما به خاطر آنچه از دست می‌دهید غمگین نشوید، و به خاطر آنچه به شما داده می‌شود خوشحال نباشید. همانا ما کسانی هستیم که هرگز به خاطر آنچه [از امر دنیا] که از دست داده‌ایم غمگین نخواهیم شد، و به خاطر آنچه بدست می‌آوریم خوشحال نمی‌شویم.

پس آنچه برای عموم مردم قاعده است، آن است که آنچه از بلاها و مصیبت‌ها بر سر مردم می‌آید، نتیجه اعمال خود آنها می‌باشد. و اگر در این میان بلایی به ولی‌ای از اولیاء الهی رسید که چه بسا لازمه قهری برخی گناهان دیگران باشد، از دیدگاه قرآن ملاک دیگری دارد و به قول امام سجاد علیه السلام مشمول آیه مذکور در فوق هستند.

اما غیر معصومین علیهم السلام و غیر اولیای خاص الهی، «عموم مردم» مصداق آیه شریفه «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» هستند. و گاهی به واسطه گناهان اکثریت غیر متقی، بعضی از افراد متقی

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۰، ص ۳۱۵ و مرآة العقول، ج ۹، ص ۳۹۹:

رُويَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ لَمَّا دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام عَلَى يَزِيدَ نَظَرَ إِلَيْهِ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ فَقَالَ علیه السلام كَلَّا مَا هَذِهِ فِينَا إِنَّمَا نَزَلَ فِينَا مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ فَتَحْنُ الَّذِينَ لَا نَأْسَى عَلَى مَا فَاتَنَا [من امر الدنيا] وَلَا نَفْرَحُ بِمَا أُوتِينَا.

هم گرفتار می‌شوند؛ چنانکه این معنا به اعتبار نزدیک و ظاهر آیه شریفه ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾^۱ است بنابر قرائت مشهور و تفسیر آن به این که فتنه مذکور به دیگران هم اصابه می‌کند و چنین نیست که فقط شامل کسانی شود که ظلم کردند. البته آیه شریفه به نحو دیگری نیز تفسیر شده است.

پس اگر اولیای الهی چنین گرفتاری‌هایی پیدا کردند، موجب رفعت مقام و پاداش برای آنهاست و برای افرادی که در مراتب پایین‌تر هستند، موجب سقوط گناهان و آمرزش آنهاست. در روایتی از امیر المؤمنین علیه السلام آمده است:

«إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ وَلِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَلِلنَّبِيَّاءِ دَرَجَةٌ وَلِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ»^۲

همانا بلا برای ظالم ادب، برای مؤمن آزمایش، برای پیامبران درجه و برای اولیای خدا کرامت و تکریم است.

اگر مردم با ایمان و با تقوا، کلاً مُعَاف از بلاها و مصیبت‌ها بودند و بلا فقط برای بی‌دینان و تبهکاران می‌بود، دیگر تکامل اختیاری و تقرّب به پروردگار با انتخاب و مجاهده، مفهوم خود را نداشت و ایمان برای رهایی از این گونه ابتلائات بود نه برای خدای سبحان، در حالی که پروردگار عالم می‌خواهد دین خالص برای او باشد، و حتی اگر برای رسیدن به بهشت و فرار از دوزخ باشد، چون بهشت را خداوند متعال برای مطیعین آفریده و جهنم را برای تبهکاران. به قول امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه فوق العاده قاصعه:

وَلَكِنَّ اللَّهَ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ الْآتِبَاعُ لِرَسُولِهِ وَالتَّصَدِيقُ بِكُتُبِهِ وَالْخُشُوعُ لَوَجْهِهِ وَالِاسْتِكَانَةُ لِأَمْرِهِ وَ
الِاسْتِسْنَاءُ لِطَاعَتِهِ أُمُوراً لَهُ خَاصَّةً لَا تَشْوِيهَا مِنْ غَيْرِهَا شَائِبَةٌ وَكُلَّمَا كَانَتِ الْبَلْوَى وَالِاخْتِبَارُ أَعْظَمَ كَانَتِ
الْمُتُوبَةُ وَالْجَزَاءُ أَجْزَلَ.^۳

اما خداوند می‌خواهد پیروی از رسولانش و تصدیق به کتاب‌هایش و خشوع در برابرش و فروتنی در برابر فرمانش و تسلیم به طاعتش اموری باشد خاص او و از هر آمیزه‌ای پاک؛ که هر چه آزمایش و امتحان بزرگتر باشد، ثواب و جزاء فراوان‌تر خواهد بود.

۱. سوره مبارکه انفال، آیه ۲۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۹۸.

جامع الأخبار، عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ وَلِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلنَّبِيَّاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ.

۳. نهج البلاغة (للصبيحي الصالح)، ص ۲۹۲.

به هر حال آنچه برای امثال ما وجود دارد و باید متوجه باشیم، آن است که ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ﴾ و آنچه نسبت به کل عالم خاکی می‌توان گفت این است که ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾.

امروز ما در دنیا شاهد هستیم بشریت چگونه گرفتار تازیانه تنبیه الهی شده است. بلایی را خداوند متعال فرستاده که هیچ کسی را معاف نمی‌کند؛ زن، مرد، جوان، میان‌سال، کهن‌سال، عالم، جاهل، پزشک، پرستار، عالم دینی و غیر او، قلدر و غیر او، رئیس و مرئوس همه و حتی عربده‌کشان عالم مورد تهدید این ویروس هستند و از شر آن راحتی ندارند. کسانی که خود را صاحب اختیار دیگران و دنیا می‌دانستند، از دست این ویروس الان می‌نالند و هیچ جا برای آنها امن نیست، حتی عمق قصرها و کاخ‌هایشان؛ چراکه از هر روزنه‌ای ممکن است این ویروس نامرئی بر آنها وارد شود و چه بسا الان همراه آنها باشد ولی خبر نداشته باشند. این ویروس اجازه نمی‌دهد به عزیزترین افرادشان نزدیک شوند یا دلنشین صحبت کنند. و این بلا همه را و چه بسا قلدران را بیشتر به خاک مذلت نشانده است و چقدر خداوند عزیز و قدیر است ﴿وَمَا كَرُّوا وَمَا كَرَّ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَاكِرِينَ﴾^۱.

یک ویروس غیر مرئی، غیر قابل پایداری در درازمدت در محیط عادی، همه دنیا را به سادگی به سخره گرفته و قلدران و ستمگران عالم را به هراس و حقارت واداشته است. این‌ها حتی در امن‌ترین مکان‌های خود هراسانند و از همکاران و محافظان خود احتراز می‌کنند. اینچنین خوف، عدم آسایش و عدمطمأنینه در همه عالم پراکنده است؛ مخصوصاً در جوامعی که ادعاهای بیشتری داشتند.

آنچه اتفاق افتاده خارج از تقدیر خداوند متعال و قضای الهی نیست، نسبت به این قضای الهی باید تسلیم بود. ولی این بدان معنا نیست که دست روی دست بگذاریم و هیچ کاری در دفاع از خودمان و شناخت این ویروس و ساختمان و ماهیت آن و راه مقابله و درمان و مصونیت بخشی در مقابل آن انجام ندهیم، بلکه باید کار کرد و همه آنچه را که وظیفه ظاهری است باید انجام داد، و همراه و بلکه مقدم بر آن با الحاح و اصرار تمام هم باید دعا کرد؛ زیرا اگر دعا با الحاح و اصرار و با حسن ظن به خداوند متعال همراه نباشد، امید اجابتش کم است.

۱. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۵۴.

گرچه اکثر مردم و حتی قلدران عالم که تا دیروز همه را زیر چکمه‌های خود می‌دیدند، امروز مضطرب و هراسانند؛ اما اولیای الهی دارای طمأنینه، آرامش و عدم ترس‌اند؛ در عین اینکه وظایف ظاهری و معنوی خود را انجام می‌دهند و تلاش می‌کنند تا گرفتار نشوند و به دیگران نیز بیشترین یاری ممکن را می‌رسانند و نیز همه تلاش علمی خود را به کار می‌گیرند تا داروی معالجه این ویروس را به دست بیاورند و واکسن مصونیت‌بخش آن را بسازند، دعا هم می‌کنند، اما تسلیم قضای الهی هستند. ما باید وظایف خود را انجام دهیم؛ چه وظایف ظاهری و چه وظایف باطنی. اگر به آنچه که می‌خواستیم رسیدیم - که حتماً می‌رسیم و این وعده الهی است که دعا مستجاب می‌شود ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾؛ از من درخواست کنید که برای شما مستجاب می‌کنم^۱ و عمل نیز نتیجه می‌دهد؛ ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾؛ ما همه را امداد و کمک می‌کنیم و عطای پروردگار ممنوع نیست^۲ هر کسی تلاشی بکند چه معنوی و چه ظاهری، به اندازه ظرفیت و تلاشش نتیجه مطلوب به او عطاء می‌شود؛ ولی اگر به دلیل خاص و استثنایی اتفاقی در این میان افتاد و دعا حتی با شرایطش مستجاب نشد یا عمل نتیجه نداد، کسی که ایمان به خداوند دارد و معتقد است که خداوند علیم، حکیم، رحیم و قدیر است و «مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ»؛ آنچه خداوند اراده کند انجام می‌شود و آنچه اراده نکند انجام نمی‌شود»، تسلیم قضای الهی می‌باشد و می‌داند مصلحت در همین بوده است، و برای شخص مؤمن نیز در نهایت خیر است؛ بدین جهت اولیای الهی هیچ ترس و حزن اینچنینی ندارند ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۳.

اگر بشریت بخواهد از این بلا به گونه نیک و با عاقبت خیر خارج شود (نه به نحو استدراج و املا و دوباره گرفتار شدن و چه بسا سخت‌تر گرفتار شدن در آینده چون قوم فرعون ﴿فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بِالْغُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ﴾؛ پس چون بلا را تا مدتی که متعهد شدند ایمان آورند از سر آنها رفع کردیم، باز پیمان را شکستند^۴) باید به خدا و فطرت خدائی خود بازگردد و دست از این ظلم، طغیان، فساد، فحشا، کذب، افتراء، زورگویی،

۱. سوره مبارکه غافر، آیه ۶۰.

۲. سوره مبارکه اسراء، آیه ۲۰.

۳. سوره مبارکه یونس، آیه ۶۲.

۴. سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۳۵.

غضب و سایر قبائح بردارد و خود را به پاکی و نور نزدیک کند. نمی‌شود انسان در فساد، تباهی، ظلم و فحشا غوطه‌ور باشد و در عین حال نجات حقیقی و رستگاری واقعی پیدا کند. بله، ممکن است خداوند متعال تخفیفاتی بعد از تنبیه بدهد، اما این موقت است و در زمان خودش خداوند ناگهان دوباره می‌گیرد ﴿حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾؛ و چون به آنچه داده شدند خوشحال گشتند و دل بستند، به ناگاه به کيفرشان گرفتیم، پس یکباره وامانده و نومید شدند^۱. امیرمؤمنان علیه السلام و دانای به اسرار عالم - طبق آنچه در نهج البلاغه است و مضمون آن در کتب دیگر نیز آمده - می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ تَنْزَلِ بِهِمُ النَّقْمُ وَ تَزُولُ عَنْهُمْ النَّعْمُ فَزَعُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ بِصِدْقٍ مِّنْ نِّيَاتِهِمْ وَ وَلَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ لَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلَّ شَارِدٍ وَ أَصْلَحَ لَهُمْ كُلَّ فَاسِدٍ»^۲

اگر مردم به هنگام نزول بلاها و گرفته شدن نعمت‌ها، با درستی نیست در پیشگاه خداوند فزع و زاری کنند، و با قلب‌های پر از محبت از خداوند درخواست عفو نمایند، هر آینه آنچه از دستشان رفته باز خواهد گشت، و برای آنها هر گونه فسادی اصلاح خواهد شد.

روایات متعدده دیگر و نیز آیات شریفه این مطلب را تأیید می‌کند، ولی روایت مذکور یکی از جالب‌ترین روایات در این زمینه است و بیان می‌کند اگر مردم با نیت صادق و حقیقی و با عشق و علاقه قلبی از خداوند درخواست عفو نمایند، هر آینه آنچه از دستشان رفته باز خواهد گشت و هرگونه فسادی اصلاح خواهد شد. البته همان‌طور که گفتیم برگشت به خداوند به این معنا نیست که تلاش ظاهری و علمی نکنیم و موازین بهداشتی را رعایت نکنیم؛ بلکه یکی از مصادیق برگشت به خدا این است که این موارد را به‌کار ببریم. نظیر اینکه کسی آمد خدمت امام صادق علیه السلام و عرض کرد آقا برای من دعا کنید تا خداوند متعال روزی من را بدون تلاش بدهد. حضرت در پاسخ فرمودند:

«لَا أَدْعُو لَكَ اَطْلُبْ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ»^۳

۱. سوره مبارکه انعام، آیه ۴۴.

۲. نهج البلاغه (للصبحی صالح)، خطبه ۱۷۸، ص ۲۵۷.

۳. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۵، ص ۷۸:

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَيُّوبَ أَخِي أُدَيْمِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذْ أَقْبَلَ الْعَلَاءُ بْنُ كَامِلٍ فَجَلَسَ قُدَّامَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ اذْعُ اللَّهُ أَنْ يَزُوقَنِي فِي دَعَاةٍ فَقَالَ لَا أَدْعُو لَكَ اَطْلُبْ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.

برایت چنین دعا نمی‌کنم، روزیت را طلب کن آنچنان که خداوند متعال به تو امر کرده است.

پس باید تلاش کرد و این دنیا، دنیای اسباب است؛ گفته‌اند: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأُمُورَ إِلَّا بِسَبَابِهَا» خداوند متعال إِبَا دارد از اینکه امور جز به اسبابش محقق شود، و در صحیفه سجادیه آمده: «وَتَسَبَّبَتْ بِطُفِكِ الْأَسْبَابُ؛ و به لطف تو اسباب سببیت یافت»^۱ و در دعای مأثور آمده است: «سَهَّلْ لَنَا صَالِحَ الْأَسْبَابِ؛ برای ما آسان گردان اسباب شایسته را»^۲ و در غرر و درر آمده: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَ تَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ؛ هر کسی که توکل بر خدا کند، سختی‌ها برای او نرم گردد و اسباب برای او آسان شود»^۳ و در توحید مفضل است: «إِنَّ الشُّكَّاءَ جَهَلُوا الْأَسْبَابَ؛ همانا شکاکان نسبت به اسباب، جاهل و غافل هستند»^۴. اما باید توجه داشت تلاش، یک بخش کار است ولی باطن و نبض کار، حُسن ظنّ به خداوند و دعای به درگاه اوست و حتّی دعا را باید به گونه‌ای انجام داد که از آن مشکل نام برده شود - لذا با اقتباس از مناجات رسول الله صلی الله علیه وآله در جنگ احزاب، در یکی از توصیه‌هایی که حقیر خدمت دوستان داشتم اسم مشکل را آوردم و عرض کردم چنین از درگاه خداوند رحمان درخواست کنیم: «...اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنَّا شَرَّ هَذَا الْجُرْثُومِ الْمُمْرِضِ وَ الْمُهْلِكِ»؛ خدایا شرّ این جرثوم بیماری‌زا و کشنده را از سر ما کوتاه کن - البته خداوند متعال می‌داند حاجت ما چیست، ولی در روایت چنین آمده است که «وَلَكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُبَيَّنَ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ»؛ یعنی خداوند متعال دوست می‌دارد که حوائج به سوی او بالا رود، لذا حضرت در دنباله روایت می‌فرمایند: «فَإِذَا دَعَوْتَ فَسَمِّ حَاجَتَكَ»؛ هرگاه دعا می‌کنی حاجتت را اسم ببر.

البته معلوم است که دعا نباید لقلقه زبان باشد و چنین چیزی اصلاً دعا نیست. در روایتی آمده است:

۱. الصحیفه السجادیة، ص ۵۴.

۲. الدعوات الراوندی، ص ۱۱۹.

۳. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۵۶.

۴. توحید المفضل، ص ۴۴.

۵. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۲، ص ۴۷۶:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْفَرَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَاهُ وَ لَكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُبَيَّنَ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ فَإِذَا دَعَوْتَ فَسَمِّ حَاجَتَكَ.

✓ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَعْلَمُ حَاجَتَكَ وَ مَا تُرِيدُ وَ لَكِنْ يُحِبُّ أَنْ تُبَيَّنَ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ.

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ سَاهٍ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنُ بِالْإِجَابَةِ»^۱

خداوند عزوجل دعایی که با قلب ساهی و دارای سهو و با بی حواسی انجام شود را استجابت نمی کند. پس هرگاه دعا کردی، با قلبت اقبال و توجه بکن و سپس یقین به اجابت داشته باش.

و روشن است که سایر شرایط دعا را هم باید فراهم کنیم. نمی شود غرق گناه باشیم و حتی همان گناهانی که باعث این فساد و بلا شده را مرتکب شویم و با این حال دعا کنیم این بلا رفع شود، بلکه باید از گناهان استغفار کرد و نسبت به آنچه که ما شریک بودیم، در حق خودمان استغفار کنیم و نسبت به آنچه دیگران شریک بودند در حق آنها استغفار بکنیم و از آنها هم بخواهیم استغفار کنند و آنچه را که می شود جبران هم بکنیم.

شرط دیگر دعا در بسیاری از اوقات، اصرار و الحاح در دعاست؛ چه بسا خداوند متعال گاهی استجابت دعا را تأخیر بیندازد تا مردم بیشتر به او نزدیک شوند و تضرع، استکانت و التماسشان در درگاه خداوند بیشتر شود «فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْإِحْحَ الْمُلْحِينَ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ»^۲. و وقتی الحاح شد، حتماً دعا مستجاب می شود «لَا وَاللَّهِ لَا يُلْحُ عَبْدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُ»^۳؛ هیچ عبدی الحاح و اصرار بر خداوند متعال نمی کند مگر اینکه خداوند پاسخ او را می دهد. و از عوامل اصلی استجابت، توسل به اهل بیت عصمت و طهارت و شفیع قرار دادن این ذوات

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۴۷۳؛

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍو قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ سَاهٍ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنُ بِالْإِجَابَةِ.

✓ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ وَ كَانَ عَلِيُّ عليه السلام يَقُولُ إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ لِمَمِيَّةٍ فَلَا يَدْعُو لَهُ وَ قَلْبُهُ لَاهٍ عَنْهُ وَ لَكِنْ لِيَجْتَهِدَ لَهُ فِي الدُّعَاءِ.

۲. وسائل الشيعة، ج ۷، كتاب الصلاة، أبواب الدعاء، باب ۲۰، ح ۸، ص ۶۰؛

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُورِبِ الْإِسْنَادِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَلْ حَاجَتَكَ وَ أَلْحَ فِي الطَّلِبِ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْإِحْحَ الْمُلْحِينَ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

✓ همان، ج ۲، ص ۵۸؛

وَ عَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ حَسَّانَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ الْإِحْحَ النَّاسِ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ وَ أَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَ يُطَلَّبَ مَا عِنْدَهُ.

۳. همان، ج ۳؛

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَا وَاللَّهِ لَا يُلْحُ عَبْدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُ.

مقدس در درگاه خداوند است. در روایات آمده است که «فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ»^۱ یعنی با کمک و با توسل به ما در درگاه خداوند متعال دعا کنید و از خداوند حاجات خودتان را بخواهید.

البته دعا شرایط دیگری هم دارد، از جمله اینکه حمد و ثنای الهی و نیز استغفار انجام شود، حالت استکانت و تضرع وجود داشته باشد و صدق «قَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي؛ به تحقیق طاقتم به سر آمد»^۲ باشد، آن وقت اجابت می‌شود و حتی ممکن است به گونه‌ای مستجاب شود که دیگر اصلاً نیاز به اسباب ظاهری نباشد.

در عین حال باید به این مطلب آگاه باشیم که این بلاها اگر ما ایمان و موضع درستی داشته باشیم، می‌تواند برای ما نعمت‌آفرین باشد؛ زیرا «إِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لَمَعَ عَظِيمِ الْبَلَاءِ»^۳ اجر عظیم همراه بلای عظیم است. و در ادامه این روایت که با سند صحیح از امام صادق عليه السلام نقل شده، آمده است که «وَمَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ»؛ خداوند متعال قومی را دوست نداشت مگر اینکه آنها را مبتلا کرد.

جالب اینکه عامه هم با تصریح به صحیح بودن روایت، نظیر آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردند که:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ، فَمَنْ صَبَرَ فَلَهُ الصَّبْرُ، وَ مَنْ جَزِعَ فَلَهُ الْجَزَعُ»^۲

خداوند متعال هرگاه قومی را دوست داشت آنها را مبتلا می‌کند. پس کسی که صبر کرد فواید صبر را می‌برد و کسی که جزع و فزع کرد گرفتار جزع و فزع خودش خواهد شد.

این مسئله خیلی مهم است که بدانیم گرفتاری‌ها و ابتلائات، وسیله بیدار کردن ملت‌ها و نردبان ترقی آنهاست. و این تعبیر بسیار عجیب است که «وَمَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ». منتها باید توجه داشت هر قومی به اندازه ظرفیت خود از این خوان تحفه الهی بهره می‌برند. در روایت دیگری با سند صحیح آمده است:

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۱، ص ۵:

تفسیر العباسی عن مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي زَيْدٍ الرَّازِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ الرَّضَا عليه السلام قَالَ: إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شِدَّةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا.

✓ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام نَحْنُ وَ اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّذِي لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا قَالَ فَادْعُوهُ بِهَا.

۲. کتاب المزار (للشیخ المفید)، ص ۱۵۹، ذیل دعای عرفه.

۳. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۲، ص ۲۵۲:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لَمَعَ عَظِيمِ الْبَلَاءِ وَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ.

«إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنَزَلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِثْلَاءِ فِي جَسَدِهِ»^۱

همانا در بهشت مکان و منزلی است که هیچ عبدی به آن نمی‌رسد مگر به سبب بلائی که بر جسد او وارد شود.

پس باید بدانیم بلاها می‌تواند برای ما نعمت باشد، البته به شرط اینکه ایمان داشته باشیم و اهل عبادت و رضای به قضای الهی باشیم، لذا در روایت امام صادق و امام کاظم علیهما السلام وارد شده است که:

«لَنْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ حَتَّى تَعُدُّوا الْبَلَاءَ نِعْمَةً وَالرِّخَاءَ مُصِيبَةً»^۲

شما مؤمن نیستید تا اینکه بلا را نعمت بشمارید و رخا (و نعمت‌های بی حساب و کتابی که موجب غفلت باشد) را مصیبت بدانید.

پس اگر نعمت‌ها موجب غفلت ما از حقیقت آفرینش و مبدأ هستی شود، موجب بیچارگی ابدی ماست. و اگر هنگام بلا صبر کنیم، موجب رفعت مقام ماست. و باید توجه داشت همراه بلا و سختی، آسانی است ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾^۳.

این را هم بدانیم بلاها گرچه نعمت است اما از وظایف ما برای احتراز از بلاها و علاج آنها کم نمی‌کند. ما باید هنگام بلا صبر کنیم و سختی‌ها را تحمل کنیم و راه درست برون رفت را پیدا کنیم و در جای خود با توجه صحیح به استقبال بلاهایی برویم که استقبال آنها عیبی ندارد بلکه مطلوب است؛ مثل استقبال از شهادت در دفاع و نظیر آن. و بدانیم در مقابل، بعضی بلاها هست که استقبال از آنها حرام هست، مانند وارد آوردن

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۵۵:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنَزَلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِثْلَاءِ فِي جَسَدِهِ.

۲. وسائل الشيعة، ج ۳، کتاب الطهارة، أبواب الدفن و ما يناسبه، باب ۷۶، ح ۲۳، ص ۲۶۰:

وَ فِي صِفَاتِ الشَّيْخَةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ مَاجِيلُوئِيهِ عَنْ عَمِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا تَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ حَتَّى تَكُونُوا مُؤْتَمِنِينَ وَ حَتَّى تَعُدُّوا النُّعْمَةَ وَ الرِّخَاءَ مُصِيبَةً وَ ذَلِكَ أَنَّ الضَّرْبَ عَلَى الْبَلَاءِ أَفْضَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ عِنْدَ الرِّخَاءِ.

✓ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۴۵:

وَ مِنْهُ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَنْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ حَتَّى تَعُدُّوا الْبَلَاءَ نِعْمَةً وَ الرِّخَاءَ مُصِيبَةً وَ ذَلِكَ أَنَّ الضَّرْبَ عَلَى الْبَلَاءِ أَفْضَلُ مِنَ الْعَفْلَةِ عِنْدَ الرِّخَاءِ.

۳. سورة شرح، آیه ۵-۶.

ضررهای اساسی بر نفس، یا جان خود را در معرض خطر قرار دادن. بدین جهت به ما یاد داده‌اند وقتی دعا می‌کنیم، عافیت را از خداوند متعال بخواهیم. در یکی از تعقیبات مشترکه آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعُفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

خداوندا از تو عفو و عافیت و تندرستی در دنیا و آخرت را درخواست دارم.

و یا در دعا آمده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ الْبِسْنِي عَافِيَتِكَ الْحَصِينَةَ فَإِنِ ابْتَلَيْتَنِي فَصَبِّرْنِي وَ الْعَافِيَةَ أَحَبُّ

إِلَيَّ»^۱

خداوندا بر محمد و آل محمد درود بفرست و عافیت حفظ کننده خودت را بر اندام من بپوشان. و اگر من را مبتلا کردی، صبر به من بده ولی عافیت در نزد من محبوب‌تر است.

در این زمینه مطالب بسیار زیادی وجود دارد، از جمله در یکی از روایات نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام در دعا به درگاه الهی چنین عرض می‌کردند:

«اللَّهُمَّ إِنِ ابْتَلَيْتَنِي فَصَبِّرْنِي، وَ الْعَافِيَةَ أَحَبُّ إِلَيَّ»^۲

یعنی خدایا من در درجه اول عافیت می‌خواهم، اما اگر مشیت حتمیه تو بر بلا و گرفتاری قرار گرفت، به من صبر عنایت بفرما.

به هر حال ما هم از طریق التزام به دستورات و توصیه‌های ظاهری که از طریق علم، متخصصین و مسئولین ارائه می‌شود و هم از طریق دعا و الحاح در درگاه خداوند و با توسل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آل طاهرینش علیهم السلام،

۱. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۸۰.

علیُّ بنِ حاتمٍ عنِ مُحَمَّدِ بنِ عَمْرٍو عنِ عَلِيِّ بنِ مُحَمَّدِ بنِ زِيَادٍ عنِ جَعْفَرِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عنِ عَبْدِ اللَّهِ بنِ مَيْمُونٍ عنِ أَبِيهِ عنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ شَبَّحَانَ اللَّهُ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ وَ بِقُوَّتِكَ وَ عَظَمَتِكَ وَ سُلْطَانِكَ أَنْ تُجِيرَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُبِّي إِيَّاكَ وَ بِحُبِّي رَسُولِكَ صَ وَ بِحُبِّي أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ يَا خَيْرَ لِي مِنْ أَبِي وَ أُمِّي وَ مِنَ النَّاسِ جَمِيعاً أَقْدِرْ لِي خَيْراً مِنْ قَدْرِي لِنَفْسِي وَ خَيْراً لِي مِمَّا يَقْدِرُ لِي أَبِي وَ أُمِّي أَنْتَ جَوَادٌ لَا تَبْخُلُ وَ حَلِيمٌ لَا تَجْهَلُ وَ عَزِيزٌ لَا تُسْتَدَلُّ اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ النَّاسُ ثِقَتَهُ وَ رَجَاءَهُ فَأَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي أَقْدِرْ لِي خَيْرَهَا عَافِيَةً وَ رَضْنِي بِمَا فَضَيْتَ لِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ الْبِسْنِي عَافِيَتِكَ الْحَصِينَةَ فَإِنِ ابْتَلَيْتَنِي فَصَبِّرْنِي وَ الْعَافِيَةَ أَحَبُّ إِلَيَّ.

۲. الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثة)، ج ۱، ص ۳۱۸.

و كان عليُّ بنِ أَبِي طالبٍ عليه السلام يقول في دعائه: «اللَّهُمَّ إِنِ ابْتَلَيْتَنِي فَصَبِّرْنِي، وَ الْعَافِيَةَ أَحَبُّ إِلَيَّ».

خواستار عافیت هستیم و مطمئنیم که خداوند متعال آن را به ما خواهد داد و اگر در این میان بعضی آسیبی دیدند یا حتی خدای نکرده جان خود را از دست دادند، مطمئن باشند که بدون عوض نخواهد بود و همان طور که گذشت گاهی بعض از منزلت‌ها و مقامات برای افرادی قرار داده شده که بدون ابتلائات به آن مقام نخواهند رسید. و رسیدن به آن مقام دارای چنان ارزشی است که ابتلائات در مقابل آن ناچیز است.

روایتی پر معنا از امام باقر علیه السلام نقل شده است که:

جناب موسی علی نبینا و آله و علیه السلام بیرون رفتند و در این میان به فردی از بنی اسرائیل برخورد نمودند و او را هم همراه خود تا خارج از محل بردند و به او فرمودند فلان جا بنشین تا من برگردم و اطراف او خطی کشیدند و سر به آسمان بلند کرده و در درگاه الهی عرض کردند:

«إِنِّي اسْتَوْدَعْتُكَ صَاحِبِي وَ أَنْتَ خَيْرٌ مُسْتَوْدَعٍ!»؛ یعنی خدایا من رفیقم را پیش تو ودیعه گذاشتم و تو بهترین کسی هستی که ودیعه نزدت گذاشته می‌شود. سپس حضرت موسی رفت و به آنچه که می‌خواست خداوند با او مناجات کرد، سپس به نزد رفیقش برگشت اما دید شیری به او حمله کرده و شکمش را دریده و بدنش را تکه‌تکه کرده و خونس را آشامیده است. حضرت موسی سر به آسمان بلند کرد و عرض کرد: خدایا من رفیقم را پیش تو ودیعه گذاشتم در حالی که تو بهترین کسی هستی که ودیعه نزد او گذاشته می‌شود، آنوقت بدترین درندگان را بر او مسلط کردی که شکمش را پاره کرده و بدنش را تکه‌تکه کرده و خونس را آشامیده است؟! در این هنگام ندا آمد که:

«يَا مُوسَى إِنَّ صَاحِبِكَ كَانَتْ لَهُ مَنزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَمْ يَكُنْ يَبْلُغُهَا إِلَّا بِمَا صَنَعْتَ بِهِ انظُرْ وَ كَشَفَ لَهُ
الْعِطَاءَ فَانظَرَ مُوسَى فَإِذَا مَنزِلٌ شَرِيفٌ فَقَالَ رَبُّ رَضِيتُ»

ای موسی! همانا برای رفیق تو منزل و مکانی در بهشت بود که به آن نمی‌رسید مگر به آنچه که با او انجام

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۴، ص ۲۳۷:

و عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: حَرَجَ مُوسَى عليه السلام فَمَرَّ بِرَجُلٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَذَهَبَ بِهِ حَتَّى حَرَجَ إِلَى الظَّهْرِ فَقَالَ لَهُ اجْلِسْ حَتَّى أَجِيبَكَ وَ حَطَّ عَلَيْهِ حَظَّةٌ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ إِنِّي اسْتَوْدَعْتُكَ صَاحِبِي وَ أَنْتَ خَيْرٌ مُسْتَوْدَعٍ ثُمَّ مَضَى فَتَاجَاهُ اللَّهُ بِمَا أَحَبَّ أَنْ يُتَاجَاهَهُ ثُمَّ انصَرَفَ نَحْوَ صَاحِبِهِ فَإِذَا أَسَدٌ قَدْ وَتَبَ عَلَيْهِ فَشَقَّ بَطْنَهُ وَ فَوَّتَ لَحْمَهُ وَ شَرِبَ دَمَهُ فُلْتُ وَ مَا فَوَّتُ اللَّحْمَ قَالَ قَطَعُ أَوْصَالَهُ فَرَفَعَ مُوسَى رَأْسَهُ فَقَالَ يَا رَبَّ اسْتَوْدَعْتُكَ وَ أَنْتَ خَيْرٌ مُسْتَوْدَعٍ فَسَلَطْتَ عَلَيْهِ شَرَّ كِلَابِكَ فَشَقَّ بَطْنَهُ وَ فَوَّتَ لَحْمَهُ وَ شَرِبَ دَمَهُ فَقِيلَ يَا مُوسَى إِنَّ صَاحِبِكَ كَانَتْ لَهُ مَنزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَمْ يَكُنْ يَبْلُغُهَا إِلَّا بِمَا صَنَعْتَ بِهِ انظُرْ وَ كَشَفَ لَهُ الْعِطَاءَ فَانظَرَ مُوسَى فَإِذَا مَنزِلٌ شَرِيفٌ فَقَالَ رَبُّ رَضِيتُ.

دادم. و پرده برای جناب موسی کنار رفت و دید چه منزل شریفی دارد. در این هنگام حضرت موسی به درگاه الهی عرض کرد: خدایا من خشنود و راضی شدم که رفیقم اینچنین از دنیا برود.

گرچه این روایت مربوط به مورد خاص است اما نکته آن همه حوادث تلخ و ابتلائات را در برمی گیرد. در پایان، روایت صحیح و معتبری را از گل بوستان ولایت و نور مشکات امام صادق علیه السلام نقل می کنم:

عَجِبْتُ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ لَا يَقْضِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ قَضَاءً إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ قُرِضَ بِالْمَقَارِضِ كَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ مَلَكَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا كَانَ خَيْرًا لَهُ^۱.

«وضع فرد مسلمان موجب شگفتی است، هر حکمی که ذات اقدس الهی در مورد او جاری کند برای او خیر می باشد، اگر با قیچی قطعه قطعه گردد خیر اوست کما اینکه اگر مالک شرق و غرب عالم گردد نیز برای او خیر خواهد بود».

بنابراین اگر خدای نکرده در میان بلاها آسیبی به کسی برسد، آن هم حکمتی دارد و قطعاً برای «اولیاء، مؤمنین و افراد اهل تقوا» بدون جبران نخواهد بود إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۶۲:

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَنْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: عَجِبْتُ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ لَا يَقْضِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ قَضَاءً ...